

- ۳۷- همان مأخذ، همان صفحه.
- ۳۸- همان مأخذ، همان صفحه
- ۳۹- همان مأخذ، ص ۲۷۳
- ۴۰- همان مأخذ، ص ۱۶.
- ۴۱- همان مأخذ، ص ۲۸۷
- ۴۲- همان مأخذ، همان صفحه.
- ۴۳- همان مأخذ، ص ۸۴
- ۴۴- همان مأخذ، همان صفحه
- ۴۴- همان مأخذ، همان صفحه.
- ۴۵- همان مأخذ، ص ۲۳۱
- ۴۶- همان مأخذ، ص ۲۳۲
- ۴۷- مدرس، علی، ص ۶۱۳

- ۱۴- همان مأخذ، همان صفحه
- ۱۵- همان مأخذ، همان صفحه
- ۱۶- مدرس، تاریخ و سیاست...، ص ۳۳
- ۱۷- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، مدرس، ص ۲۲۴ - ۳۲۳
- ۱۸- مکی، حسین، مدرس قهرمان آزادی، ج یک، ص ۲.
- ۱۹- مدرس، تاریخ و سیاست...، ص ۴۹
- ۲۰- همان مأخذ، ص ۳۳
- ۲۱- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، مدرس، ص ۲۲۳
- ۲۲- همان مأخذ، ص ۳۳
- ۲۳- مدرس، تاریخ و سیاست...، ص ۲۹
- ۲۴- همان مأخذ، ص ۵۳ - ۵۱
- ۲۵- همان مأخذ، ص ۴۷
- ۲۶- همان مأخذ، همان صفحه.
- ۲۷- همان مأخذ، همان صفحه.
- ۲۸- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، مدرس، ص ۳۱۹
- ۲۹- مدرس، علی، مرد روزگاران، ص ۵۷
- ۳۰- مکی، حسین، مدرس قهرمان آزادی، جلد یک، ص ۴۸
- ۳۱- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، مدرس، ص ۲۳۱ - ۳۲۸ و مدرس، تاریخ و سیاست...، ص ۳۳ - ۳۲
- ۳۲- ترکمان، همان، ص ۱۶
- ۳۳- همان مأخذ، همان صفحه.
- ۳۴- همان مأخذ، ص ۲۷۳
- ۳۵- همان مأخذ، همان صفحه.
- ۳۶- همان مأخذ، ص ۱۶

غیره دارد که به علاقه‌مندان برای نمونه کتاب مدرس در پیچ دوره تقنینیه مجلس شورای ملی محمد ترکمان معرفی می‌شود.

آگاهی به مطالب ذکر شده و عنایت به این وجوه از شخصیت مدرس که کمتر مورد توجه بوده، می‌تواند تشنگار از وسعت دید و بینش او درباره مسائل مختلف از جمله مسائل علمی و آموزشی آن شهید را لانجام باشد که جای توجه و تحقیق بیشتری داشته و دقت بیشتری بطلبد.

پانویست‌ها:

- ۱ - مدرس، تاریخ و سیاست، مجموعه مقالات سمینار مدرس و تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران، موسسه پژوهش‌ها و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵، صص ۳۰ - ۲۹ و ۲۸ - ۴۶. و سکی، حسین: مدرس تهران آزادی، جلد یک، نگاه، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۹. بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، مدرس ۲، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶، صص ۳۱۰ - ۳۰۴.
- ۲ - مدرس، علی، مرد روزگاران، چاپ اول، نشر هوزان، تهران، ۱۳۷۴، ص ۵۷۷.
- ۳ - مدرس، تاریخ و سیاست...، ص ۳۲.
- ۴ - همان مأخذ، ص ۴۷.
- ۵ - بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، مدرس ۲، ص ۳۱۲.
- ۶ - مدرس، علی، مرد روزگاران، ص ۵۶۶.
- ۷ - ترکمان، محمد، مدرس در پیچ دوره تقنینیه مجلس شورای ملی، جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۲۵۷.
- ۸ - مدرس، علی، مرد روزگاران، ص ۵۶۸.
- ۹ - همان مأخذ، ص ۵۶۹.
- ۱۰ - همان مأخذ، همان صفحه.
- ۱۱ - همان مأخذ، ص ۵۷۰.
- ۱۲ - همان مأخذ، همان صفحه.
- ۱۳ - همان مأخذ، همان صفحه.

احتیاج نمی‌شود...»^(۳۶)

تأکید بر ایجاد دارالترجمه و لزوم ترجمه کتب علمی مورد نیاز در دیگر سخنرانی‌های مدرس نیز به چشم می‌خورد. بطور مثال در یکی از این سخنرانی‌ها به این مطلب اشاره کرده گفت: «... به عقیده بنده، معارف یک رکن اعظمش دائره‌الترجمه است چهل (۴۰) سال است می‌شنویم از ایران می‌روند به اروپا درس می‌خوانند و اسم خودشان را دکتر می‌گذارند... با این وصف خیلی متأسفم، انحصاری که رفته‌اند این علوم را تحصیل کرده‌اند، چرا به ایران که آمده‌اند به زبان ایرانی ترجمه نکرده‌اند...»^(۳۵) او در ادامه این سخنان افزود: «... باید سعی کنند کتبی که محل احتیاج است جمع کنند، اگر لازم شده متخصص هم بخواهند، علمای آن علم را هم که در مملکت هستند، حاضر کنند و آن کتب را ترجمه کنند...»^(۳۶)

این علاقه به ترجمه، علاقه ریشه داری بود. زیرا در شرح زندگانی او مطالبی وجود دارد که حاکی از توجه مدرس به امر ترجمه از سالیان پیش بود.

هنگامی که از نجف‌اشرف به ایران بازگشت و در آن سال‌های قبل از شش‌ده‌بیلدبیلد علاقه به مسائل تاریخی به ترجمه‌اینگونه کتب اهتمام ورزید... وقتی به اصفهان رسیدم و به خواندن تاریخ چین و هند علاقمند شدم، در این باره کتاب و نوشته بسیار کم بود، ناچار سراغ کسانی رفتم که در این مملکت‌ها بوده‌اند و چیزهایی از آنجایی دانند، تاجری در اصفهان بود هندی به نام سردار (ناخوانا در متن ذکر شده) می‌آمد و برای آنچه از تاریخ هند می‌دانست، می‌گفت. کتابهایی هم از هند، برایم می‌خواند و گاهی ترجمه می‌کرد فهمیدم که هند زمانی از دست رفت که از لحاظ اقتصادی به زانو درآمده...»^(۳۷) البته با مراجعه به همه مذاکرات ثبت شده در مجالس قانونگذاری که مدرس در آن مجالس به ایراد سخنرانی پرداخته است، موارد بسیار متعدد و مهم دیگری از تأکید او بر ایجاد دارالترجمه و نهضت ترجمه، می‌توان یافت که در اینجا جهت رعایت اختصار صرف‌نظر کردیم.

شهید مدرس علاوه بر این دیدگاه‌های مترقی و جالب توجه درباره علم آموزی و یکی کردن علم جدید و قدیم دارد که با عنایت به آن دیدگاه‌ها می‌توان به تأکید شهید مدرس برای یکی کردن آموزش قدیم و جدید و تراز کردن همه مدارس قدیمی، دینی و جدید تحت نظر وزارت معارف و لزوم آموزش علوم جدید در مدارس دینی و آشنایی دانش‌آموزان مدارس جدید با علوم قدیم به ویژه فلسفه، منطق و

و سرپرستی باشد. به همین دلیل هنگامی که اعزام نخصت نظامی به خارج در مجلس مطرح شد چنین نظر داد: «... از جمله چیزهایی که خیلی لازم است این است که این شصت نفر (که به فرانسه) می‌روند در تحت نظر یک صاحب منصب ارشدی باشند، اگر بناشند ضرورت زیادتر از نقش خواهد بود، زیرا تجربیاتی که ما خود کرده‌ایم و شهودش همه در مجلس حاضر است، قریب بیست نفر از صاحب منصبان نمره اول که از مدرسه هم فارغ التحصیل شده بودند، همراه ما (در جریان سفر مهاجرت) بودند، شب و روز اگر ممتش برای آنها نمی‌گماشتیم اسباب زحمت می‌شدند...»^(۳۱)

پس از دیدگاه مدرس تحت نظر داشتن محصلین اعزامی توسط یک صاحب منصب ارشد لازم بود، در غیر اینصورت «... بنده مثل این می‌دانم که این پول را به دست خودمان تلف کرده‌ایم و هیچ نایده هم با آنها مترتب نیست و یک دو سال هم خواهند ماند، بعد که می‌آیند بدتر از روز اول خواهند بود...»^(۳۲)

بنابراین مدرس نگران از وضعیت کشور و نیاز به علوم جدید، ضمن تأیید اصل اعزام محصل، استخدام معلم از خارج و درخیزین صورت‌نظارت بر محصلین اعزامی به خارج را مورد تأکید قرار می‌داد.

ایجاد دارالترجمه

علاوه بر دیدگاههای ذکر شده از سوی مدرس درباره لزوم کسب علوم نوین از طریق دعوت مسلمین و اساتید رشته‌های مورد نظر، راههای دیگری هم از سوی او مدنظر بود که با دقت در سخنرانی‌های مترجم در صورت مذاکرات مجلس، مطرح و محورهای دیگری جلب توجه می‌کند که از آن جمله می‌توان به تأکید مدرس بر ایجاد دارالترجمه اشاره کرد از آن جمله در یکی از سخنرانی‌های خود چنین عنوان کرد: «... تمام علوم و فنی‌هایی که به سوی مملکت جلب می‌شود، باید به لسان اهل آن مملکت ترجمه شود تا عمومیت پیدا کند...»^(۳۳) در اینجا مدرس با تکیه بر سابقه تاریخی نهضت ترجمه علوم مختلف، بویژه علوم یونانی توسط مسلمین در دوران حاکمیت عباسیان، اقدام به ترجمه کتب مختلف را مورد تأکید قرار داد، افزود: «... این مملکت تا دارالترجمه پیدا نکند و دارالترجمه در آن تأسیس نشود، مثل قرن سوم و چهارم که علوم و فنون را از سایر السته به لسان عربی ترجمه می‌کردند، و تا علوم و صنایعی که محل احتیاج مملکت است به لسان اهل مملکت ترجمه نشود، رفع

در همین راستا او در جلسه یکشنبه ۲۶ صفر سال ۱۳۲۹ مدرس طی سخنرانی چنین اظهار داشت: «... از حیث شرح... اگر ده هزار نفر شاگرد هم از ایران به اروپا برود هیچ مانعی ندارد. بلکه این عرض (مخالفت با فرستادن محصل به خارج) از حیث امر سیاسی است...»^(۳۴) استلال مدرس در این مخالفت بر این دلیل استوار بود که بسیاری از شاگردها به اروپا اعزام شده، پول‌های زیادی هم خرج شده ولی نقص و عيوب کشور برطرف نشده بود.^(۳۵)

البته این مخالفت با اخذ علم و علم آموزی نبود زیرا در جایی مدرس تأکید می‌کرد که: «... هر چه علم در دنیا است، ما طالب هستیم و هم‌بظور که دستورالعمل دین ماست، باید علم را دریابیم از هر جا باشد، لکن بقدر امکان و ضرورت...»^(۳۶)

برای حل این مشکل مدرس راه حلی که ارائه می‌داد آن بود که: «... باید نحوی کرد که امروز که محتاج به علوم اروپا هستیم، علم را به مملکت خودمان بیاوریم...»^(۳۷) در واقع به جای اعزام محصل به خارج، استخدام معلم از خارج مورد تأکید مدرس بود «... اولاً باید معلم از خارج بیاوریم ولو اینکه یک گروه مخارج او باشد، ثانیاً اگر ممکن نشد که معلم بیاوریم، باید شاگرد برای معلمی فرستاد...»^(۳۸)

علت مخالفت مدرس با اعزام محصل به خارج را توضیح دادیم، دلیل اول آنکه علی‌رغم اعزام محصل به خارج تقاضی کشور کم نشده بود «... ثانیاً اگر ده نفر بر فرض فرستادند برای تحصیلات نظام، از اینها چند نفرشان می‌میرند، چند نفرشان متع برای ایشان پیدا می‌شود و بالاخره آیا یک نتیجه از آن حاصل بشود یا نشود...»^(۳۹)

اما مدرس در اصرار بر دعوت معلم از خارج چند دلیل داشت. دعوت معلم از خارج باعث می‌شد که «... پولهای شما تمام در مملکت خودتان خرج شود...»^(۴۰) و «... اگر معلمی به زبان ایرانی (در ایران) تدریس کند بهتر و زودتر توسعه پیدا می‌کند و عده شاگردان زیاد می‌شود...»^(۴۱) حال اگر استخدام معلم و آوردن آنها میسر نشد، به جای اعزام محصل به خارج، افرادی را به خارج فرستاد تا برای تدریس و معلمی آموزش ببینند

«... اگر ممکن نبود که معلم بیاوریم، باید شاگرد برای معلمی فرستاد...»^(۴۲)
ولی نیازهای کشور فوری بود و اعزام محصل به خارج لاجرم

در این مرحله نیز مدرس پیشنهاد داد که اگر قرار است تا محصل به خارج رود باید تحت نظارت

۸ - رساله فی ضمان الغاصب الفاضل

۹ - حاشیه بررسایل شیخ مرتضی انصاری یا فوائد الاصول که کتابی بسیار مهم در اصول فقه است. ۱۰ - اصول تشکیلات عدلیه (۳۱)

همچنین از شهید مدرس مجموعه بسیار مهم و گرانمایی به صورت سخنرانی در مجالس قانونگذاری دوره دوم تا ششم مجلس موجود است که به صورت یکجا توسط آقای محمد ترکمان در دو جلد گردآوری شده است.

دیدگاههای شهید مدرس درباره علم آموزی و دستیابی به علوم

در این قسمت از مقاله و طبق روال قبل، خلاصه وار نکاتی درباره دیدگاههای مدرس درباره علم آموزی و دستیابی به علوم که به نظرمی رسد کمتر مورد توجه قرار گرفته است، مورد بررسی قرار می گیرد و این دیدگاهها که از لابه لای سخنان او در مجلس شورای ملی اخذ و بصورت خلاصه و نمونه عرضه می شود، نشانگر آن است که اگر شهید مدرس می توانست اهداف خود را عملی کرده و پایه صحته مسائل سیاسی و اجراگذار و فروغقلند، شاید تحولی بزرگ در صحنه عمومی کشور بوجود می آمد و از این طریق بعد علمی - فرهنگی و فکری او امکان ظهور و بروز بسیار بیشتری می یافت. این دیدگاهها در چند محور می تواند مورد بررسی قرار گیرد:

الف - کسب علوم جدید و علوم مورد نیاز

ب - توجه به لزوم ترجمه و تأسیس و راه اندازی دارالترجمه

ج - تلاش برای یکپارچه کردن علم آموزی و مراکز علمی قدیم و جدید.

در سالهای پس از مشروطه، تب تلاش برای رفع عقب ماندگیها بالا گرفته بود و راههای متعددی برای بالابردن توان علمی کشور و دستیابی به علوم مورد بحث و گفتگو قرار می گرفت. اولین و شایعترین راه حل پیشنهادی، اعزام محصل به خارج بود. با توجه به سخنان مدرس در مجلس و صورت مذاکرات به جای مانده از آن دوران متوجه می شویم که علی رغم تأکید مدرس بر لزوم علم آموزی و کسب علوم جدید، او با اعزام محصل به خارج مخالفت می ورزد. البته این مخالفت از وجه نظر سیاسی است نه شرعی.

ارزشمند معروف به عروقالو فقی که در بحث مربوط به تحصیلات مدرس به نقش آن عالم بزرگوار در تکوین سرمایه علمی شهید مدرس اشاره کردید.

۹ - آیه الله میرزا محمد حسن شیرازی، مرجع بزرگ تقلید شیعه و صاحب فتوای تحریم تنباکو که نفوذ، شهرت و اعتبار فوق العاده ای داشت، البته شهید مدرس یکسالی بیشتر در محضر این عالم جلیل توفیق علم آموزی نداشت زیرا یک سال پس از ورود مدرس به نجف، آیه الله میرزا محمد حسن شیرازی در سال ۱۳۱۸ قمری دارفانی را وداع گفت، مدرس به حادثه مرگ استاد خود چنین اشاره دارد: «- میرزای (شیرازی) از بخت بد من یک سال بعد از ورودم به نجف دارفانی را وداع گفت...» (۲۹)

مرحوم میرزای شیرازی درباره شاگردش مدرس چنین نظر داده بود که: «... این اولاد رسولش، پاکدامنی اجدادش را داراست... در هوش و ذکاوت گاهی من را به تعجب می افکند، در مدتی بسیار کوتاه از تمام همدرس هایش در گذشته و در منطق، فقه و اصول سرآمد همه یارانش می باشد...» (۳۰) همانگونه که در ابتدای این نوشتار ذکر شد، شهید مدرس خود به استفاده از محضر پیش از سی تن از علمای بزرگ و روحانیون که در حوزه اصفهان و نجف به کار تدریس اشتغال داشته اند، اذعان دارد که در اینجا، مشهورترین و معروفترین آنها ذکر شد.

اثر به جای مانده از شهید مدرس

۱ - کتاب زرد - حاوی اسامی افرادی که در جریان امضاء و اجرای قرارداد ۱۹۱۹ م فعال بوده اند و همچنین دیدگاهها و نظریات مختلف مدرس است و آقای علی مدرس و دیگران مدعی وجود این کتاب هستند ولی تاکنون به صورت مستند و مستقلی به چاپ نرسیده است.

۲ - حاشیه بر کتاب النکاح شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی

۳ - تعلیق بر کتاب کفایة الاصول آخوند خراسانی، از کتب فقی و تخصصی مهم علم اصول فقه

۴ - رساله ای در ترتیب، در علم اصول فقه

۵ - خاطرات خواف، مربوط به ایام تبعید در خواف خراسان

۶ - رساله فی سهو الامام و الماموم

۷ - رساله فی قضاء القوائب

۲ - میرزا عبدالعلی هردی (۱۲۲۲ - ۱۳۰۶ ق) عالمی متبحر که در علوم فقه، اصول و ریاضی تصنیفات متعددی داشت. او از علمای گوشه نشین بود، در ادبیات عرب به ویژه تخصص در تدریس نحو داشت. (۲۴)

۳ - میرزا جهانگیرخان قشقایی، (۱۲۴۳ - ۱۳۲۸ ق) دانشمند و فیلسوف بزرگ که در زمینه علوم مقول و عرفان به کمال رسیده بود و او را از اعظم حوزه در زمینه فقه، اصول، ریاضیات و حکمت به حساب آورده‌اند.

۴ - حاج سید محمد باقر درچای (۱۲۶۴ - ۱۳۴۲ ق) نیز از علمای بزرگی است که مدرس در نزد او مسائل مربوط به استصحاب و منطق و اصول دین را به مدت سه سال و سه ماه آموخت، مدرس خود می‌نویسد: «تقریرات استادش را نزد یک پانزده هزار بیت (هر بیت یک سطر پنجاه حرفی) نوشتم...» (۲۵)

۵ - حاج شیخ مرتضی ریزی (۱۲۲۹ - ۱۳۰۹ ق) فقیه، اصولی زاهد و مجتهد بزرگ که به مدت چهارسال مدرس در محضر او خارج اصول و حجت را نرا گرفت. (۲۶)

۶ - آخوند ملامحمد کاظمی (۱۲۵۰ - ۱۳۳۰ ق)، استاد مقول و منقول و مدرس فلسفه، جامع فضائل علمی، شرح لعمه در فقه، قوانین و فصول از جمله مواد درسی بود که مدرس در محضر او آموخت. بین او مدرس ارتباط عمیق و صمیمانه‌ای برقرار بوده است. مدرس خود می‌نویسد: «... در زمانی که من نزد وی تحصیل می‌کردم در نهایت فقر و نفاق بود و من هم مانند او بودم... هر دو یکدیگر را بر آن وضعی که بین خود و خدا داشتیم، دلالتی می‌دادیم و نسبت به هم مانند می‌بودیم در ایام تعطیلی، شرح هدایه مبینی و شرح منظومه و شوارق و الشواهد الربوبیه را در نزد او می‌خواندم...» (۲۷)

۷ - آخوند ملامحمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ق)، فقیه و اصولی بزرگ و از مراجع بزرگ تقلید که علاوه بر حمایت از مشروطه خواهان و نقش مؤثر در تحولات سیاسی آن زمان ایران، کتابه الاصول که از مراجع مهم درسی طلاب و روحانیون در دوره خارج فقه است را تألیف نمود. آخوند خراسانی از جمله اساتیدی بود که عمده تحصیلات مدرس در عتبات عالیات و در حوزه نجف در و محضر وی شکل گرفته است. (۲۸)

۸ - آیه‌الله سید محمد کاظم یزدی، فقیه و مرجع تقلید شیعه، (۱۲۴۷ - ۱۳۲۷ ق) صاحب اثر

بزرگ مشروطه خواه و نویسنده رساله مقیم و مسافر در دفاع از مشروطیت که به عنوان طراز اول نیز از سوی مراجع تعیین شده بود، قرار گرفت و به فعالیت‌های سیاسی پرداخت و آنگونه که از خاطرات مدرس برمی آید این امر حتی در دوران استبداد صغیر نیز ادامه یافته است. مدرس چنین ذکر کرده است:

«... بعد از مراجعت از عتبات در اصفهان فقط امورات اجتماعی مباحه و تدریس را اختیار کرده بودم تا زمان انقلاب استبداد - مشروطه که به اجبار اوضاع دیگری پیش آمد که می‌توان گفت اُتسَخ الخرق علی الزائع. برحسب امر حجج اسلام عتبات عالیات و دعوت دوره دوم مجلس شورای ملی...» به تهران آمدم...» (۲۹)

تدریس مدرس در تهران علی رغم اشتغال به امور مجلس و مسائل سیاسی کاملاً متوقف نشد و از آنجایی که تولیت مدرسه سپهسالار (شهید مطهری فعلی) واقع در میدان بهارستان تهران) را از زمان سلطنت احمد شاه به عهده داشت، تدریس فقه و اصول را نیز در این مدرسه ادامه داد چنانچه خود ذکر می‌کند: «... بعد از مراجعت به اصفهان... مشغول تدریس فقه و اصول شدم. به ترتیبی که فعلاً هم در مدرسه سپهسالار مشغولم...» (۳۰) ادامه درس و بحث و تدریس در خواف پس از تبعید را نیز از جمله نکات زندگی شهید مدرس شمرده‌اند (۳۱) که با توجه به نظارت و مراقبت شدید نظامی رضاشاهی در آن دوران، از کم و کیف آن اطلاعات مستند و دقیقی در دست نیست.

اساتید

شهید مدرس در طول دوران طولانی تحصیل خود از ابتداء تا هنگام بازگشت از نجف از محضر درس و تلمذ علمای مشهور و دانشمندان زیادی استفاده کرد که در اینجا فهرست وار و مختصر اسامی و تبحر هر یک در زمینه‌های مختلف علمی ذکر می‌شود.

۱ - میرعلیقائی، جد پدری مدرس که عارف و زاهد زمان خود به حساب آمده و بیشتر به وعظ و ارشاد مردم مشغول بود. (۳۲) مدرس در شرح حال خود چنین ذکر می‌کند: «... جد ای من میرعلیقائی از زهاد محبوب بود... مرا در سن شش سالگی تقریباً به جهت تربیت هجرت داده، به قمسه نزد خود برد...» (۳۳)

بالاخره پس از گذشت هفت سال تصمیم به بازگشت به ایران گرفت، در حالی که ظاهراً میرزای شیرازی و یکی از دیگر اساتید شهید مدرس که از او به عنوان استاد خاص یاد شده است در نظر داشتند مدرس را به رفتن به هند تشویق کنند.

«... استاد خاص... هم مانند میرزای شیرازی... علاقمند بود من به هندوستان بروم و این نظر را خودم نمی‌پسندیدم...» (۱۵)

پس از مراجعت به ایران، به اصفهان وارد شده به تدریس مشغول گردید و تدریس را تا هنگام دستگیری و تبعید ادامه داد. «بعد از مراجعت راز نجفی (به اصفهان) در مدرسه جده کوچک مشغول تدریس قفه و اصول شلم...» (۱۶)

در کنار تدریس قفه و اصول، به درس اخلاق بر پایه نهج البلاغه مشغول شد. چنانچه مرحوم میرزا علی آقا شیرازی در خاطرات خود اینگونه یاد کرده است:

«... در مراجعت از نجف روزهای پنجشنبه برای طلاب درس اخلاق می‌گفت، بنیای درس اخلاق او نهج البلاغه بود. یک روز به درس ایشان رفتم، چنان حاضران را دیدم، عبارات نهج البلاغه را از بر می‌خواند و از کتب بزرگان شعر و ادب و ادبیات عرب ضرب المثلها می‌آورد...» (۱۷)

ظاهراً از این زمان به بعد است که شهرت آقا سید حسن قمشاهی به مدرس بوجود آمد و او را سید حسن مدرس گفتند و در ردیف میرزا محمد علی رشتی یا آقا میرزا مهدی آشتیانی فیلسوف معروف و حاج میرزا احمد نهنک که به مدرس مشهور بودند، به مدرس مشهور گردید و مرحوم آخوند خراسانی نیز در نامه‌اش به مجلس شورای ملی او را در کنار علمای بزرگ دیگر همچون میرزا محمد حسین نائینی صاحب کتاب تنبیه الامة و تنزیه المله و آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید حسن مدرس قمشاهی معرفی نمود. (۱۸)

وضیعت تدریس مدرس تا بروز انقلاب مشروطیت و حوادث پس از آن ادامه یافت و مدرس به کار تدریس خود تا قبل از رفتن به تهران برای شرکت در جلسات مجلس دوم به عنوان طراز اول ادامه داد و این امر نشانگر آن است که حتی تحولات مربوطه به دوره اول مشروطه که در اصفهان منجر به پیدایش انجمن ولایتی اصفهان گردید و مدرس نیز در کنار علمای بزرگ آن زمان در اصفهان همچون آیه الله محمد تقی نجفی معروف به آقا نجفی و آیه الله حاج شیخ نورالله فقه الاسلام نجفی از علمای

مجلس شورای ملی در هفتم رجب ۱۳۴۰ قمری آنجایی که بحث از چگونگی استفاده از آب کارون و کشتی رانی در کارون مطرح است می‌گوید: «... یکی مسئله کشتی رانی آب کارون و یکی مسئله عمق و یکی مسئله اشخاص است از ایل بختیاری یا غیر آنها که در بیان بیلان دارند. تمام این نقاط را بنده سیر کرده‌ام، مدتی در اهواز بودم و در دنباله این آب بیست منزل آمده‌ام تا به اصفهان وارد شده‌ام...» (۷) این سیر و سفر تنها در بلاد و اماکن نبود و شامل کتابخانه‌ها و کتابها نیز می‌شد.

«... اغلب کتابخانه‌های عمومی و خصوصی را می‌گفتم تا تاریخهای که به زبان عربی و فارسی باشد، پیام...» (۷) سپس لیست صورت اسامی تاریخ نویسان را از کتابهای قابل دسترس تهیه کرد و به مطالعه آن کتابها پرداخت تا جایی که توجه آخوند خراسانی استاد خود را نیز جلب کرد... روزی هم جناب آخوند خراسانی گفت سید حسن تا زکی‌ها چه می‌خوانی، گفتم ساعتی را به مطالعه تاریخ اختصاص داده‌ام، تعجب نمود و پرسید چه تاریخی؟ گفتم یونان، روم، اروپا هر چه باشد...» (۹)

از جمله کتابهای مورد توجه او سفرنامه شاردن بود... «... در آن زمان تاریخ ژان شاردن یعنی سفرنامه او را می‌خواندم... مسافران این کتاب بزرگ به طور کلی در متن عربی نبود، پراکنده به دست می‌آمد، یکی بود که روزهای جمعه برایش ساعت کار می‌کردم و (او) دو ساعت برایم تاریخ می‌خواند و به عربی می‌گفت...» (۱۰) در این مسیر شیفته و علاقمند به تمدن کهن مصر شد.

«چندین بار تصمیم گرفتم بقیچام را بردارم و راهی اراضی فراعنه شوم ولی استاد خصام که از خود آرام کرده بود... حقی عظیم به گردنم داشت، صلاح نمی‌دانست...» (۱۱) انگیزه‌اش علاوه بر دیدار از مصر راهیابی به کتابخانه الازهر مصر بود... «آنچه برای من مهم بود کتابهای تاریخ خفته در کتابخانه الازهر بود که شنیده بودم، بسیار سالها مرا می‌تواند مشغول دارد...» (۱۲) به تدریس در بین طلاب از امتیاز خاصی برخوردار شد و آن آگاهی از تاریخ و مورخین بود.

«... تنها طلبه‌ای بودم که بزرگان مورخ و محقق زمانها را می‌شناختم و آثارشان را مرور کرده بودم...» (۱۳) آنقدر به تاریخ و مسائل تاریخی علاقمند شد که تلاش کرد دیگران را نیز به همان راه مطالعه تاریخ بکشاند... به اساتید حوزه‌های نجف خیلی اصرار و استدلال کردم که تاریخ را یکی از درس‌های حوزه‌های علمیه در بخش دروس خارج قرار دهند ولی قبول نکردند و اشتباه کردند...» (۱۴)

ثانی، سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی که هر سه آنها بعداً جزو مراجع تقلید ششم شدند، قرار دادند.^(۲)

این دوران تحصیل و تعلّم تا درجانی عالی، بیست سالی به طول انجامید. ایامی که البته با فقر و ناداری و سختی و مسکنت توأم بود چنانچه در شرح مختصر زندگی خود چنین می‌نویسد: «... در زمانی که من نزد وی (ملا محمد کاشانی) تحصیل می‌کردم در نهایت فقر و فاقه بود. من هم مانند او بودم... هر دو یکدیگر را بر آن وضعی که بین خود و خدا داشتیم، دلاری می‌دادیم و نسبت به هم ترحم می‌نمودیم...»^(۳)

شهید مدرس در جای جای خاطرات به جای گذاشته از خویش یا خاطراتی که به وی نسبت داده‌اند به شدت فقر و ناداری اشاره کرده است که به همین دلیل برای تهیه مخارج و هزینه تحصیل به دهات رفته و عملگی کرده است.

«... وقتی برای ادامه تحصیل به اصفهان آمدم، برای تهیه مخارج روزانه و هزینه تحصیل مجبور بودم گاهی با لباس سبد برای کار به دهات رفته و عملگی کنم...»^(۴)

یا در جایی اشاره‌ای هست که حتی در هنگام اقامت در نجف روزهای تعطیل به کار مشغول بوده است: «... یکی بود که روزهای جمعه برایش هشت ساعت کار می‌کردم...»
در نجف واقعه‌ای باعث گردید تا شهید مدرس علاوه بر دروس متداول به تاریخ بشر علاقمند شده و در این زمینه، به تفحص و تحقیق پردازد. این واقعه چیزی نبود جز وقوع قحطی که باعث گردید تا مدرس عرصه‌های جدیدی را در پیش رو قرار دهد.

«... در نجف یک سال قحط آب شد... مجالس و محاضر درس تعطیل شد، من موقع را مستقیم شمرده برای دیدن آثار باقی مانده از بابل و مدائن و قصر اللصوص به تنهایی از نجف بیرون رفتم هیأتی خرابه‌های بابل را می‌کنند... به شرطی اجازه تماشا به من دادند که عبا و عصاه خود را هنگام ورود به آن محل تحویل دهم و هنگام خروج بازگیرم، راضی شدم چند روزی می‌رفتم و به تماشای گناه زنده‌ها و کندن‌ها می‌پرداختم از وقتی که هیأت اکتشافی به عمل می‌آورد حیرت‌نوم طرافت کار به حدی بود که گاهی خود را در آن میان فراموش می‌نمودم...»^(۵)

ظاهراً مدرس گشت و گذار خود را به حجاز و یثرب گسترش داد، بعدها نیز در نطق خود در

کاشانی، جهانگیرخان تقشایی، صرف، فقه، اصول، فلسفه، منطق، عرفان و کلام از جمله علوم رایج در معقول و فرماگیر.

شهید مدرس نه تنها روزهای عادی را در نزد برخی بزرگان به خواندن کتب فقهی همچون لعمه و قوانین و فصول اختصاص داده بود که در روزهای تعطیل نیز به آموزش علوم عقلی همچون منطق و فلسفه و... اشتغال داشت و لعمه و شرح لعمه را در نزد آخوند ملا محمد کاشی، خارج اصول را در نزد شیخ مرتضی یزدی و خارج اصول را نزد آیه الله سید محمد باقر درجای خواند، پس از طی این دوران به عزم مجاورت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و اقامت و ادامه تحصیل در حوزه نجف عازم عتبات عالیات شد این سفر در شعبان سال ۱۳۱۱ هجری آغاز گردید و هفت سالی به طول انجامید. در نجف محضر درس و حضور علما و بزرگان حوزه را تیمناً و تبرکاً کلاً درک کرده و از علم و دانش آنها استفاده کرد ولی عمده تحصیلات او در خدمت حجج اسلام و اصاظم دوران، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی بود که از آنها مرحومین مغفورین کاظمین خراسانی و یزدی یاد نموده است. اولی صاحب کفایة الاصول و دیگری صاحب عروة الوثقی است که از معتبرترین متون و کتب درسی حوزه‌های دینی ایران و عراق به حساب می‌آیند. از جمله دیگر اساتید در نجف آقا سید محمد فخارکی و شیخ فتح الله شریعت اصفهانی را می‌توان نام برد.^(۱)

وضعیت تحصیلی شهید مدرس بگونه‌ای بود که خود را شایسته مطرح شدن در حد مرجعیت می‌دانست ولی از ابراز و پیگیری آن خودداری ورزید: «... در نجف به اساتیدم گفتم اگر شما با من همراه باشید، بار دیگر جهان ناظر عظمت اسلام خواهد بود، پاسخ همه این بود که وقتی به ایران رفتی باعلمی که داری، خود مرجع تقلید خواهی شد، آنان تصور می‌کردند موافقت آنان را برای مرجعیت طلب می‌کردم، در حالی که برایم تحصیل حاصل، معنی نداشت...»^(۲)

این توانایی علمی به گونه‌ای بود که از دیدگاه بزرگش آیه الله میرزا شیرازی: «... از همه همدرسه‌هایش در منطق و فقه و اصول جلوتر...» محسوب شده ولی درصدد نگارش رساله عملیه برنیامد. دلیل دیگر برایین مدعا آن است که مراجع بزرگ تقلید شیخ عبدالله مازندرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در هنگام معرفی افراد حائز شرایط انتخاب شدن به عنوان علمای طراز اول، به مجلس شورای ملی دوره دوم، شهید مدرس را در کنار بزرگترین علمای آن زمان همچون میرزا محمد حسین

توجه به شخصیت فقهی او نیز در این رابطه ارجح و برتر از شخصیت علمی او قرار گرفته و در مقالات و نوشته‌ها به حیث روحانی بودن شهید مدرس، شخصیت فقهی اش بیشتر مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. در این نوشتار، با توجه به فرصت اندک و اختصاص مورد نظر، بحث در چند قسمت ارائه می‌شود:

۱- مدت تحصیل و تحصیلات

۲- افراد و کسانی که مدرس در حضور آنها به تلمذ و آموزش اشتغال داشته است.

۳- تدریس و آثار بجای مانده از شهید مدرس

۴- دیدگاه‌های شهید مدرس درباره برخی موضوعات و مسائل علمی همچون اعزام محصل و دارالترجمه

تحصیلات

اکثر منابع و مآخذی که به تحصیلات شهید مدرس اشاره دارند، اطلاعات خود را از دو متن عربی و فارسی به قلم شهید مدرس، اخذ کرده و به آن استناد کرده‌اند.

متن فارسی در پاسخ به درخواست مدیر روزنامه اطلاعات نگاشته شده و در روزنامه اطلاعات شماره ۳۴۶ به تاریخ ۸ آبان ۱۳۰۶ به چاپ رسیده است. متن عربی را نیز می‌توان در کتاب مرد روزگاران تألیف علی مدرسی یافت.

در این دو متن، دوران تحصیل او به صورت بسیار مختصر ذکر شده است و برای بسط و توسعه آن فرصت و مقال دیگری لازم است تا مقصود حاصل آید. شهید مدرس ابتدا در سن شش سالگی در نزد میرعبدالباقی از طایفه میرعابدین از سادات طباطبائی زواره و از زهاد زمان، جد پدری به تحصیل پرداخت و بر اساس سفارش و خواسته پدر بزرگ خود برای ادامه تحصیل عازم اصفهان شد و در ۱۳ جمادی الاول سال ۱۲۹۸ قمری به این شهر وارد شد. تحصیلات در اصفهان سیزده سالی به طول انجامید و در این مدت محضر درس سی نفر از اساتید بزرگ حوزه علمیه اصفهان را که قبل از تأسیس حوزه علمیه قم، بزرگترین حوزه علمیه ایران به حساب می‌آمد، درک کرد و موفق شد در محضر درس بزرگان حوزه علمیه اصفهان همچون آیه الله شیخ مرتضی رزوی، میرزا عبدالعلی هرنندی، سلا محمد

شخصیت علمی شهید مدرس

دکتر سید علیرضا ابطعی فروشانی*

چکیده:

برای بررسی ابعاد و ویژگیهای شخصیت شهید مدرس لازم است تا با مراجعه به منابع، اسناد و متن سخنرانی‌های بجای مانده از دوران زندگانی او، تصویری روشن بوجود آورد. یکی از ویژگی‌ها و ابعاد کمتر مورد توجه قرار گرفته شخصیت مدرس، شخصیت علمی اوست، تا آنکه در این نوشتار بطور خلاصه، بررسی می‌شود. متن شخصیت علمی شهید مدرس عمدتاً از زاویه، فقه و مقام بالای وی به عنوان مجتهدی برجسته مورد بررسی قرار گرفته است، ولی با عنایت به مدارک، اسناد، و مطالب به جای مانده از آن شهید می‌توان چنین اظهار کرد که شخصیت علمی مدرس فقط در بخش فقهی محدود نگردیده و از بعد علوم عقلی بویژه منطق و فلسفه و سایر علوم رائج و غیر رائج در آن زمان مثل تاریخ، مدرس دارای دیدی عمیق و اطلاعاتی وسیع بوده است که با عنایت به تحصیلات، اساتید، آثار و دیدگاه‌های بجای مانده از وی در خلال سطور کتاب‌ها و اسناد می‌توان مروری را به صورت خلاصه ذکر کرد از جمله: اعزام محصل به خارج، ایجاد دارالترجمه و چگونگی سامان یافتن سیستم آموزشی و تربیتی کشور و تجمیع آن است.

کلیدواژه: مدرس، تحصیلات، اساتید، دیدگاه‌های علمی

مقدمه

مرگه سخن از جایگاه علمی و شخصیت علمی مدرس به میان می‌آید، متوجه می‌شویم که این بُعد بسیار مهم و برجسته از شخصیت مرحوم شهید مدرس در سایه جایگاه سیاسی و اجتماعی قرار گرفته، مهجور مانده است.

* استاد یار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد